

جان کارگر زندانی شریفه محمدی، در زندان لاکان رشت و پخشان
عزیزی در خطر جدی است، برای نجاتشان دست به اقدام زنیم !

andishe.gbg@hotmail.com

امیرجوهری لنگرودی



اعزام تیم حرفه‌ای شکنجه و بازجویی از تهران
به زندان رشت برای مجبور کردن شریفه محمدی
به اقرار علیه خودش

هر دم از این باغ، بری می‌رسد

تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد ...

از قول منابع حقوق بشری خبر داده‌اند امروز در کارنامه‌ی سیاه و خون‌بار نظام
اسلامی حکم اعدام دیگری افزوده شده: «پخشان عزیزی» مددکار اجتماعی و
زندانی سیاسی، توسط دادگاه انقلاب تهران به ریاست ایمان افشاری به اتهام بی
اساس "بغی" به اعدام محکوم شده است.



در حالی که که جمهوری ناراست اسلامی با اعزام تیم حرفه‌ای شکنجه و بازجویی از تهران به زندان رشت در همکاری با رئیس شعبه چهارم بازپرسی دادسرای رشت «رجبی» که پیشتر شریفه را به اتهام "تبلیغ علیه نظام"، "اقدام علیه امنیت ملی" و "بغی" به بهانه‌ی عضویت در یکی از گروه‌های اپوزیسیون متهم ساخته بود تلاش دارد شریفه محمدی را به اقرار علیه خودش وادارد؛ گفته می‌شود قاضی رجبی، صادر کننده‌ی حکم اعدام، شریفه را با اعمال زور و شکنجه وادار به تمکین و تهدید کرده که اگر به خواسته‌ی وزارت اطلاعات و مقامات حکومتی تن ندهد حکم اعدام اجراء خواهد شد. این برخوردهای شنیع و غیر انسانی در شرایطی اعمال شده که حکم اعدام، اکنون برای فرجام خواهی به دیوان عالی کشور ارجاع داده شده است.

هشدار جدی ما به همه‌ی آزادی‌خواهان در ایران و در سراسر جهان بدین معنی است که: جان و امنیت شریفه به طور جدی در خطر است!

شریفه از آن هیچ حزب و گروه و سازمان سیاسی ایران نبوده و نیست، او کارگری‌ست جانبدار تشکل مستقل از گروه‌بندی‌های موجود. باید این حق شریفه محمدی را محترم شمرد و از انتصاب وی به این و آن به‌شدت جلوگیری نمود. ما در این مبارزه همواره این حق هر کارگر را محترم می‌داریم، و قویاً مانند خود او (شریفه) انتصابش به این و آن را، محکوم می‌کنیم!

جمهوری اعدامی در ایران و جهان، تو گویی در برابر کوهی از اعتراض و آتشفشان زیر پایش از درون زندان زنان و پهنه‌ی جغرافیای ایران از کردستان تا تهران، و خیابان‌های شوش را نمی‌بیند و گوش‌های کر حاکمانش صدای فریاد بازنشستگان مطالبه‌گر را نمی‌شنود که به ده‌ها مطالبه‌شان، مطالبه‌ی ابطال حکم اعدام و آزادی این زن شریف کارگر زندانی، شریفه محمدی را از گلولی

خسته‌ی خود فریاد می‌کنند و می‌زنند بر پیشانی دادستان و حاکم شرع گیلان که رهایش کنید و کودک ۱۲ ساله شریفه، آقا «آیدین» را بی‌مادر نکنید...

چنان‌که اشاره شد: «وکلا‌ی پرونده پس از ثبت فرجام‌خواهی در انتظار تعیین شعبه در دیوان عالی کشورند». و یک منبع مطلع از پرونده‌ی شریفه گفته است که خانواده‌ی شریفه محمدی و وکلا‌ی پرونده او امیدوارند رأی صادر شده در دیوان عالی کشور نقض شود. وکلا‌ی پرونده تأکید دارند که دلایل و شواهد کافی برای بازنگری و نقض حکم وجود دارد و امیدوارند حکم اعدام او نقض شود.

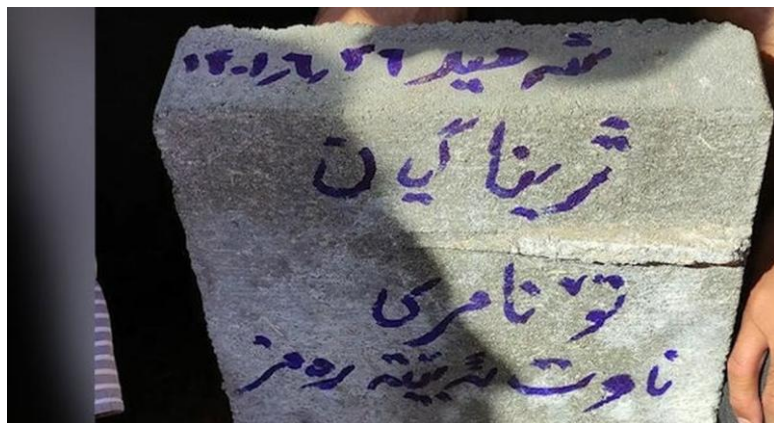
همین بی‌شرف زندانبان مجدداً سناریوی سوخته‌ی دیگری را در دستور کار خود جای دادند... سناریوی کهنه و نخ‌نمای اقرار زندانی علیه خویش، که تاریخ پیاده‌کردنش به تاریخ بی‌بنیاد همین نظام در زورق نیروهای امنیتی کهنه کار و آدم فروشان روزی نامه‌ی کیهان حسین شریعتمداری‌ها پیچیده شده و به وقت نیاز آن‌را به کار می‌گیرند

این قاتلان فرزندان مردمان جامعه ما در نمی‌یابند که امروز زمان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای، که یکی را در خیابان بکشید و بغلش بطری مشروب جا سازی کنید (احمد میرعلایی) گذشته است و همان زمان هم مردم این لاطائلات را باور نداشتند... همچنین است ستاندن جان انسان‌های شریف و آزاده‌ی جامعه ایران در منازل و پارک‌ها و بیابان‌های اطراف شهر مانند قتل خون‌بار ابراهیم زال زاده، غفار حسینی، دکتر احمد تفضلی و کارد آجین کردن پروانه اسکندی و همسرش داریوش فروهر، سربه‌نیست کردن محمد مختاری و محمد جعفرپوینده در بیابان‌های اطراف تهران، مجید شریف - که تماماً در دوره اصلاحات محمد خانتمی به‌وقوع پیوست - و همچنین ایستادگی وکیل استوار و جسور «ناصر زرافشان» بر سردفاع از مختاری-پوینده و دنبال کردن پرونده‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای که سرانجام به ساختن سناریوی نخ‌نمای و سوخته دیگری انجامید که آقای زرافشان خود درباره‌اش گفته: «... که اسلحه و مشروبات الکلی در دفتر او گذاشتند و اینک داشتن آنها را به اتهامات او افزوده‌اند و او را به اتهام افشای اسرار دولتی، به زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم کردند» و پنج سال او را در دخمه‌های استبداد، زندانی کردند!

باری گذشت آن دوره که بازوان، امنیتی نظام بخواهند اتوبوسی را که راهی ارمنستان بود و سرنشینان‌اش، سرریز از ارباب فکر و اندیشه‌ی جامعه ما بودند، بر پایه‌ی طرح سیاه اطاق فکر علیل شان به دره اندازند و آنگاه که سناریوی جنایت به ضدش بدل شد... آدم امنیتی‌شان «سعید امامی» را در ام

القرای اسلامی واجبی خورش نمایند... حتی شرایط امروز، سیر رخداد نبرد کارگران هفت تپه با اسد بیگی‌ها، این گماشته چرخه‌ی سرمایه در چپاول صنعت نیشکر نیست که سناریوی سوخته را برای علی نجاتی این پیر با شرف سندیکای نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی، این قامت استوار سکوی حیات بخش و سازمانگر کارخانه‌ی هفت تپه و همراهان او سپیده قلیان و... و آن دیگران را در بسته بندی «سناریوی سوخته» جای دهند و خود را پیروز یکه تاز میدان بدانند؛ گذشت و باز نخواهد گشت!

بفهمید آهای نفهم‌ها: جامعه ایران سه مرحله‌ی پر فرار و نشیب دی ۹۶، آبان ۹۸ و جنبش عظیم انقلابی شهریور ۱۴۰۱ یعنی «زن، زندگی، آزادی» را پشت سر گذاشته است... جامعه ایران در سال ۹۶ بر سر درب بزرگ دانشگاه فریاد برآورد: «اصلاح طلب، اصول گرا / دیگه تمامه ماجرا» آبان خونین ۹۸ را هرگز فراموش نکرد و شعار: «آبان ادامه دارد» را آفرید. در هیاهوی آن شوق خیز بلند رهایی و همسرنوشتی همه‌ی زنان و مردان ایران، بعد از قتل عمد حکومتی ژینا (مهسا امینی) با دلی پُر شور، بر بلندای مزارش روسری بر افکندند و فریاد «ژن، ژیان، آزادی» سردادند.



و به زبان کردی نوشتند: «ژینا جان تو نمی‌میری، نامت یک رمز می‌شود» و یا به قولی «جهان تیره بر چشم ضحاک شد» این شعله همچنان فروزان باقی مانده است.



امروز شریفه محمدی از درون زندان لاکان رشت فریاد بر می‌دارد: «من فرزند پدر و مادری هستم که به من آموخته‌اند در مقابل ظلم و بی عدالتی سکوت نکنم». در جامعه امروز ایران و در درون و برون زندان هم ده هزار، صد هزار، هزاران و میلیون‌ها شریفه تکثیر شده است و می‌شوند...



کارزار نه به اعدام

هم اکنون در ۱۱ زندان کشور شماری از زندانیان به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» پیوسته‌اند، از جمله این زندان‌ها می‌توان به زندانیان زندان‌های اوین (بند ۸، بند ۶، بند ۴ و بند زنان)، زندان قزلحصار (واحد ۳ و واحد ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان خرم‌آباد، زندان تبریز، زندان اردبیل، زندان قائمشهر، زندان خوی، زندان نقده، زندان مشهد و زندان سقز اشاره کرد.

ما یکپارچه و با هم می‌توان به عنوان مدافعان آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی، مخالفان زندان، شکنجه و مجازات غیرانسانی اعدام به مثابه قتل عمد دولتی، و از همه مهم‌تر مدافعان حق تشکل مستقل کارگری در تمامی وجوه صنفی

(اقتصادی) و سیاسی و برخورداری از حق تعیین سرنوشت مردم توسط خودشان، از همه‌ی انسان‌های آزادی‌خواه و برابری طلب و جانبدار دموکراسی می‌خواهیم که حق شریفه محمدی کارگر زن زندانی و همسر او سیروس فتاحی را در استقلال عمل و انتخاب سیاسی‌شان به رسمیت شناسند و با مراجعه به دفاتر اتحادیه‌ها، سندیکاها، نهادها، سازمان‌ها و تشکل‌های مدافع حقوق زندانیان سیاسی در ایران و جهان تقاضا نماییم تا نسبت به این احکام قرون وسطائی عصر شتر چرانی، واکنش انسانی و به موقع نشان داده و نسبت به خطری که جان شریفه محمدی را تهدید می‌کند، با حساسیت بالا برخورد کنند.

ما خواهان لغو حکم اعدام شریفه محمدی و همه‌ی لیست پر تعداد زندانیان سیاسی که مشمول حکم "بغی" شده‌اند از جمله: وریشه مرادی، پخشان عزیزی، نسیم غلامی سیمپاری، حمیدرضا سهل آبادی، احسان روازژیان، امین سخنور، علی هراتی مختاری، حسین محمد حسینی، حسین اردستانی، امین شاه ولایتی، وحید بنی عامریان، پویا قبادی، محمد تقوی، مجتبی تقوی، بابک علیپور، ابوالحسن منتظر، اصغر دانشفر. ونیز جابر صخراوی، عبدالامام زائری، علی صیاحی، محمدعلی عموری، علی حلفی، غلامحسین کلبی، مختارآلبوشوک، عیدو شه بخش، عبدالغنی شه بخش، عبدالرحیم قنبر زهی، گرگیج شه بخش و سلیمان شه بخش، همچنین زندانیان سیاسی دیگر از جمله وفا آذر پار، فرزانه معینی، ایزا فروغی مجاهد کورکور، رضا رسایی و سعید شیرازی و... هستیم.

صدور حکم اعدام با اتهام "بغی" برای این زندانیان و بیش از چهل زندانی سیاسی دیگر و همچنین بازداشت تعداد کثیری از فعالین اجتماعی کردستان، بلوچستان، عشایر فارس و اعمال خشونت قرون وسطایی بر آنها نشان از تداوم سیاست سرکوب وسیع و سراسری علیه فعالین سیاسی است.

ابطال حکم اعدام شریفه محمدی، خواست آزادی او و بازگشت این فعال کارگری زن به خانه و همچنین باطل نمودن حکم **بغی** برای پخشان عزیزی و دیگر زندانیان سیاسی که حکم **بغی** بر آنان نشانده شده است، خواست آزادی بی قید و شرط همه آنان و دیگر زندانیان سیاسی در این شرایط مبارزه خواست مقدم ما است!

پنجشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳ برابر با ۲۵ جولای ۲۰۲۴